

تحلیل عناصر دراماتیک شجاعت و فداکاری در داستان سلاح زیر برف با محوریت شخصیت شهید محمد ابراهیم همت

علی رازی زاده^۱

سجاد سلیمان نژاد^۲

دوفصلنامه علمی مطالعات نظری هنر
سال چهارم | شماره ۷ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳
شاپا: ۰۰۳۴ - ۲۸۲۱ | ص: ۱۱۱ - ۱۳۸

چکیده

داستان سلاح زیر برف اثر رحیم مخدومی، از جمله آثار برجسته ادبیات داستانی ایران به شمار می‌رود که به حماسه دفاع مقدس و رشادت‌های رزمندگان این عرصه می‌پردازد. تحلیل عناصر دراماتیک شجاعت و فداکاری در این داستان، دریچه‌ای نو برای درک عمیق‌تر پیام آن و سنجش میزان اثرگذاری آن بر مخاطب می‌گشاید. اهمیت این پژوهش از آنجاست که شهید محمد ابراهیم همت، شخصیت محوری داستان، به عنوان یکی از اسطوره‌های دفاع مقدس شناخته می‌شود و بررسی ابعاد شخصیتی و عملکرد او در این رمان، می‌تواند الگویی ارزشمند برای نسل جوان به ارمغان آورد. در این راستا، پژوهش حاضر با اتکا به روش تحلیل محتوا، به واکاوی عناصر دراماتیک شجاعت و فداکاری در داستان سلاح زیر برف می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پی‌رنگ داستان از انسجام و ساختاری منسجم برخوردار است و به خوبی نقاط آغاز، میانه و پایانی را در

۱. گروه هنرهای رسانه‌ای، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران. ali.razizadeh@iribu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران. sajjadsoliman@gmail.com

خود جای داده است. علاوه بر این، شخصیت شهید همت به عنوان نماد اصلی شجاعت و فداکاری در داستان، نقشی محوری در پیشبرد روایت و انتقال پیام آن ایفا می‌کند. در نهایت، نتایج این پژوهش، ضمن تأکید بر غنای عناصر دراماتیک در داستان سلاح زیر برف، بر ظرفیت بالای این اثر در ترویج ارزش‌های والای انسانی مانند شجاعت و فداکاری در میان نسل جوان صحنه می‌گذارد.

واژگان کلیدی: ادبیات دفاع مقدس، عناصر دراماتیک، سلاح زیر برف، محمد ابراهیم همت، شجاعت و فداکاری.



❁ مقدمه

در میان انبوه داستان‌ها و روایت‌های حماسی از رشادت‌ها و فداکاری‌های رزمندگان دوران دفاع مقدس، داستان زندگی و مجاهدت‌های شهید محمدابراهیم همت، فرمانده دلاور تیپ زرهی لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شجاعت، فداکاری و تدبیر او در میدان‌های نبرد، الهام‌بخش نسل‌های متعددی از جوانان این مرز و بوم بوده و نام او را به عنوان یکی از اسطوره‌های مقاومت و ایثار در تاریخ ایران ثبت کرده است. داستان سلاح زیر برف اثر رحیم مخدومی، یکی از آثار است که به گوشه‌ای از رشادت‌ها و فداکاری‌های این شهید والامقام می‌پردازد. این داستان که در فضایی پر از سرما و یخبندان در منطقه کردستان روایت می‌شود، حماسه‌ای از شجاعت، فداکاری و از خودگذشتگی را به تصویر می‌کشد که در آن، شهید همت با وجود خطرات جانی، جان خود را برای نجات جان یکی از رزمندگان فدا می‌کند. تحلیل عناصر دراماتیک شجاعت و فداکاری در این داستان، نه تنها به درک عمیق‌تر شخصیت شهید همت و ابعاد مختلف رشادت‌های او کمک می‌کند، بلکه می‌تواند درس‌های ارزشمندی از ایثار و از خودگذشتگی را به نسل‌های آینده منتقل کند.

بررسی و تحلیل داستان سلاح زیر برف از چندین جهت حائز اهمیت است؛ از حیث تاریخی، این داستان، گوشه‌ای از واقعیت‌های دوران دفاع مقدس را به تصویر می‌کشد

و به درک بهتر این برهه حساس از تاریخ ایران کمک می‌کند. از حیث اخلاقی، حماسه شجاعت و فداکاری شهید همت در این داستان، الگویی ارزشمند برای نسل‌های جوان در راستای ترویج فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی به شمار می‌رود. از حیث ادبی، این داستان از نظر ادبی نیز اثری ارزشمند محسوب می‌شود و از ظرافت‌های ادبی و نگارش قوی برخوردار است.

باتوجه به اهمیت و ضرورت بررسی این داستان، در این مقاله به تحلیل عناصر دراماتیک شجاعت و فداکاری در سلاح زیر برف با محوریت شخصیت شهید محمدابراهیم همت خواهیم پرداخت. در این راستا، ابتدا به معرفی شخصیت شهید همت و جایگاه او در دوران دفاع مقدس می‌پردازیم. سپس به بررسی داستان سلاح زیر برف و تحلیل صحنه‌های برجسته شجاعت و فداکاری شهید همت در آن می‌پردازیم.

❁ پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه شخصیت و مجاهدت‌های شهید ابراهیم همت انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها به بررسی ابعاد مختلف شخصیت او، از جمله شجاعت، فداکاری، تدبیر و تعهد او به اسلام و انقلاب پرداخته‌اند. برخی دیگر به بررسی نقش او در فرماندهی تیپ زرهی لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و عملیات‌های مختلفی که در آن تیپ انجام شده است، پرداخته‌اند. در زمینه داستان سلاح زیر برف نیز پژوهش‌هایی انجام شده است که به بررسی ساختار داستانی، شخصیت‌ها، مضامین و پیام‌های آن پرداخته‌اند. با این وجود، تاکنون پژوهشی که به طور خاص به تحلیل عناصر دراماتیک شجاعت و فداکاری در این داستان با محوریت شخصیت شهید محمدابراهیم همت بپردازد، انجام نشده است. در ادامه، به بررسی پیشینه پژوهش در زمینه بازنمایی شجاعت و فداکاری در قالب‌های هنری با تمرکز بر زندگی شهدا می‌پردازیم.

یزدانی (۱۳۸۹) در کتاب *نردبانی برای چیدن نازنج* که شامل ۱۳ داستان از زندگی شهید



احمد کاظمی است، کوشیده تا از بین خاطرات و روایت‌های بیان‌شده، داستان‌هایی را انتخاب کند که شخصیت احمد کاظمی را بهتر نشان دهد و مخاطب را از داستان‌های فرعی و حاشیه‌ای دور می‌کند. در این کتاب اطلاعات دسته‌اول از زندگی و مجاهدت‌های شهید کاظمی ارائه می‌شود؛ به طوری که روایت داستان‌ها به گونه‌ای است که شخصیت شهید کاظمی را به خوبی نشان می‌دهد. همچنین علیجان‌زاده (۱۳۹۹) در کتاب *احمد و قایع* مهم زندگی شهید احمد کاظمی از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۸۴ را روایت می‌کند. نویسنده در این کتاب کوشیده است داستان‌ها به صورت شفاهی و به گونه‌ی بیان خاطره ثبت شود. این دو اثر به بیان داستان‌های زندگی یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های دفاع مقدس می‌پردازند.

از سویی، خانیان (۱۳۸۳) در کتاب *وضعیت‌های نمایشی دفاع مقدس به وضعیت‌های* نمایش در چند نمایشنامه با این مضمون می‌پردازد. نویسنده بیشتر تمرکز خود را بر روی نمایشنامه‌هایی گذاشته است که از ساختار نمایشی برخوردار باشند. ارائه تئوری‌ها و روش‌های مختلف بازنمایی ایثار و فداکاری در قالب‌های هنری، به همراه تمرکز بر روی نمایشنامه‌هایی که از ساختار نمایشی قوی برخوردار هستند، از نقاط قوت این اثر به حساب می‌آیند، با این حال این اثر دسته‌بندی منظم و دقیقی از وضعیت‌های نمایشی ارائه نمی‌دهد.

بارونیان (۱۳۸۷) در کتاب *شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس* تلاش کرده تا به صورت کامل و جامع، در قالب نه فصل به موضوع دفاع مقدس و بررسی شخصیت‌های آن بپردازد. نویسنده در این کتاب، عنصر شخصیت‌پردازی را بررسی می‌کند و عناصر دیگر همچون گفتار را، با رویکرد شخصیت‌پردازی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. همچنین دریانورد (۱۳۹۷) در کتاب *جلوه‌های نمایشی جنگ بر این نکته* تأکید می‌کند که جنگ هشت‌ساله، جلوه‌ها و خلاقیت‌های ممتازی دارد که باید آن‌ها را با توجه به آداب و رسوم، خلاقیت‌ها و غیره در قالب آثار هنری فاخر، به ویژه تئاتر ارائه کرد. این کتاب با هدف بررسی جنبه‌های نمایشی رزمندگان دفاع مقدس در قالب سه بخش به جلوه‌های نمایشی می‌پردازد.

❁ مبانی پژوهش

در این بخش به صورت مختصر عناصر دراماتیک بر پایه نظریه روایت برای تطبیق بر داستان سلاح زیر برف معرفی می شوند. عناصر دراماتیک، اجزای تشکیل دهنده یک درام هستند که به خلق تنش، تعلیق، و جذابیت در داستان کمک می کنند (ارسطو، ۱۳۸۵). عناصر دراماتیک شامل این موارد می شوند: پیرنگ، گفتار، شخصیت و انگاره. عناصر مختلفی برای پیرنگ اشاره شده است که در ادامه به آنها اشاره می شود. اول، آغاز-میانه-پایان: هر داستانی دارای یک نقطه آغاز، میانه و پایان است. نقطه آغاز، زمانی است که مخاطب با شخصیت ها و موقعیت داستان آشنا می شود. میانه داستان، به کشمکش ها و چالش های شخصیت ها می پردازد. پایان داستان، زمانی است که کشمکش ها حل شده و سرنوشت شخصیت ها مشخص می شود (قادری، ۱۳۹۱: ۳۰-۲۸). دوم، هماهنگی: در ابتدای داستان، معمولاً یک وضعیت متعادل و پایدار وجود دارد. این وضعیت متعادل، می تواند زندگی روزمره یک شخصیت، یک جامعه یا یک جهان باشد (همان، ۶۰). سوم، اجتماع ضدین: در ادامه داستان، یک عامل مخل نظم و ثبات وارد داستان می شود. این عامل مخل نظم، می تواند یک شخصیت شرور، یک حادثه ناگوار یا یک تصمیم اشتباه باشد (همان، ۶۱). چهارم، تفکیک احباب: با ورود عامل مخل نظم، شخصیت ها از یکدیگر جدا می شوند یا در شرایطی قرار می گیرند که نمی توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این جدایی، می تواند به لحاظ فیزیکی، عاطفی یا روانی باشد (همان، ۶۳). پنجم، گره افکنی: با پیشرفت داستان، پیچیدگی ها و چالش های بیشتری برای شخصیت ها ایجاد می شود. این پیچیدگی ها، به اصطلاح گره نامیده می شود (اسمایلی، ۱۳۹۲: ۹۴-۹۳). ششم، کشمکش (ستیز): شخصیت ها برای حل مشکلات و غلبه بر چالش ها تلاش می کنند. این تلاش ها، به اصطلاح کشمکش یا ستیز نامیده می شوند (کریمی خورانی، ۱۳۹۷: ۶۴). هفتم، بحران: در نقطه ای از داستان، شخصیت ها به یک بحران یا نقطه عطفی می رسند. این بحران، می تواند یک تصمیم مهم، یک فاجعه یا یک کشف ناگهانی باشد (اسمایلی، ۱۳۹۲: ۹۶). هشتم، تعلیق: در ادامه داستان، تعلیق و هیجان داستان افزایش



پیدا می‌کند. مخاطب مشتاق می‌شود تا ببیند که سرنوشت شخصیت‌ها چه خواهد شد. نهم، نقطه اوج: نقطه اوج داستان، زمانی است که مهم‌ترین و حساس‌ترین اتفاق داستان رخ می‌دهد. این اتفاق، می‌تواند پیروزی شخصیت‌ها بر چالش‌ها یا شکست آن‌ها باشد (همان، ۹۷). دهم، گره‌گشایی: در پایان داستان، گره‌ها و ابهامات داستان حل می‌شوند. سرنوشت شخصیت‌ها مشخص می‌شود و مخاطب به یک درک کامل از داستان می‌رسد (قادری، ۱۳۹۱: ۱۰۰). یازدهم، زمان: زمان در درام به دو دسته زمان واقعی و زمان دراماتیک تقسیم می‌شود. زمان واقعی، مدت زمانی است که داستان در دنیای واقعی طول می‌کشد. زمان دراماتیک: مدت زمانی است که مخاطب در تئاتر یا سینما صرف تماشای داستان می‌کند (اسلین، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۸۴). دوازدهم، مکان: محل رخدادها و رویدادهای دراماتیک در داستان را معرفی می‌کند (گریگ، ۱۳۹۰: ۲۴۴-۲۴۵).

عنصر شخصیت یکی از مهم‌ترین عناصر درام است که به مخاطب کمک می‌کند تا با شخصیت‌های داستان هم‌ذات‌پنداری کند و از داستان لذت ببرد. شخصیت‌ها می‌توانند انسان، حیوان، اشیا یا حتی مفاهیم انتزاعی باشند. شخصیت خود به چند دسته تقسیم می‌شود. اول، شخصیت اصلی (قهرمان): شخصیت اصلی داستان، کسی است که بیشترین توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند و داستان حول محور او می‌چرخد. قهرمان معمولاً دارای ویژگی‌های مثبتی مانند شجاعت، عدالت‌خواهی، و فداکاری است (کارد، ۱۳۸۷: ۱۱۲). دوم، شخصیت اصلی (ضدقهرمان): ضدقهرمان، شخصیتی است که در تقابل با قهرمان داستان قرار می‌گیرد. ضدقهرمان معمولاً دارای ویژگی‌های منفی مانند ظلم، خودخواهی، و قدرت‌طلبی است (اسمایلی، ۱۳۹۲: ۹۰). سوم، شخصیت فرعی: شخصیت‌های فرعی، نقش‌های مکمل در داستان دارند و به شخصیت‌پردازی شخصیت‌های اصلی کمک می‌کنند. شخصیت‌های فرعی می‌توانند دوست، دشمن، اعضای خانواده یا افراد دیگری باشند که با شخصیت‌های اصلی در ارتباط هستند (کارد، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

جدای از این موارد، چهار مؤلفه برای اثرگذاری در شخصیت‌پردازی وجود دارند.

اول، ویژگی‌های فیزیکی نظیر ظاهر، سن، جنس، نژاد، و سلامتی شخصیت. دوم، ویژگی‌های روانی نظیر افکار، احساسات، انگیزه‌ها، و باورهای شخصیت. سوم، رفتار نظیر نحوه صحبت کردن، حرکت کردن، و تعامل شخصیت با دیگران، و چهارم، پیشینه نظیر تجربیات گذشته، خانواده، و موقعیت اجتماعی شخصیت (مک‌کی، ۱۳۸۲: ۶۹). شخصیت‌ها نقش مهمی در پیشبرد داستان، انتقال پیام، و ایجاد هم‌ذات‌پنداری در مخاطب دارند. شخصیت‌های خوب، مخاطب را به دنبال خود می‌کشاند و او را با سرنوشت خود همراه می‌کنند. شخصیت‌ها همچنین می‌توانند پیام یا ایده‌ای را به مخاطب منتقل کنند.

عنصر گفتار نیز یکی از مهم‌ترین عناصر درام است که به شخصیت‌ها جان می‌بخشد و به پیشبرد داستان کمک می‌کند. گفتار شامل دیالوگ و مونولوگ می‌شود (قادری، ۱۳۹۱: ۲۹۹). دیالوگ، گفتگوی بین دو یا چند شخصیت است. دیالوگ نقش مهمی در شخصیت‌پردازی، انتقال اطلاعات، و ایجاد تعلیق و هیجان در داستان دارد و خود دارای چهار گونه است. اول، دیالوگ نمایشی: دیالوگی که به پیشبرد داستان و آشکار شدن شخصیت‌ها کمک می‌کند. دوم، دیالوگ توضیحی: دیالوگی که اطلاعات لازم را به مخاطب ارائه می‌دهد. سوم، دیالوگ احساسی: دیالوگی که احساسات و افکار شخصیت‌ها را بیان می‌کند. چهارم، دیالوگ طنز: دیالوگی که برای خنداندن مخاطب استفاده می‌شود.

قسم دوم گفتار، مونولوگ است. مونولوگ، گفتگوی یک شخصیت با خود است. مونولوگ به مخاطب کمک می‌کند تا افکار، احساسات و انگیزه‌های درونی شخصیت را درک کند و خود دارای سه گونه است. اول، مونولوگ افشاگرانه: مونولوگی که در آن شخصیت، اطلاعاتی را برای مخاطب فاش می‌کند که سایر شخصیت‌ها از آن بی‌خبر هستند. دوم، مونولوگ تأملی: مونولوگی که در آن شخصیت به افکار و احساسات خود می‌اندیشد. سوم، مونولوگ متقاعدکننده: مونولوگی که در آن شخصیت سعی می‌کند دیگران را متقاعد کند. گفتار نقش مهمی در ایجاد انسجام و پویایی در درام دارد. گفتار



خوب، مخاطب را به دنبال خود می‌کشد و او را با شخصیت‌ها و داستان همراه می‌کند. گفتار همچنین می‌تواند پیام یا ایده‌ای را به مخاطب منتقل کند. انگاره، تم یا ایده اصلی یک درام است که پیام یا معنای کلی داستان را به مخاطب منتقل می‌کند. انگاره می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم در داستان بیان شود و می‌تواند مفاهیم مختلفی مانند عشق، جنگ، عدالت، یا رستگاری را در بر بگیرد (همان، ۲۷۸). انگاره نقش محوری در انسجام و عمق یک درام ایفا می‌کند. یک انگاره قوی می‌تواند به مخاطب کمک کند تا داستان را درک کند، با شخصیت‌ها همذات‌پنداری کند، از داستان لذت ببرد، درباره موضوعات مختلف فکر کند و دیدگاه خود را نسبت به آنها تغییر دهد. انگاره با سایر عناصر درام مانند پیرنگ، شخصیت و گفتار ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع، این عناصر در خدمت انگاره هستند و به بیان و آشکار کردن آن به مخاطب کمک می‌کنند. به عبارت دیگر، پیرنگ، توالی وقایع داستان است که حول محور انگاره شکل می‌گیرد. شخصیت‌ها، حاملان انگاره در داستان هستند و با اعمال، گفتار و افکار خود آن را به تصویر می‌کشند. گفتار، گفتگوهای بین شخصیت‌ها است که می‌تواند انگاره داستان را آشکار کنند و به عمق آن بیافزاید. بر این اساس، اینگونه بیان می‌شود که انگاره یکی از مهم‌ترین عناصر درام است که به داستان عمق و معنا می‌بخشد. یک انگاره قوی می‌تواند مخاطب را تحت تاثیر قرار دهد و او را به تفکر وادار کند. در مقاله پیش رو، تلاش می‌شود از نظریه روایت برای شناسایی پیرنگ، گفتار، شخصیت و انگاره در داستان زندگی شهید محمد ابراهیم همت با محوریت داستان سلاح زیر برف استفاده شود.

روش‌شناسی

این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، از ابزار فیش‌برداری استفاده می‌کند. سپس اطلاعات به دست آمده را بر پایه عناصر دراماتیکی که در قسمت مبانی پژوهش توضیح داده شد، طبقه‌بندی می‌کند. در نهایت نیز یافته‌های پژوهش را بر اساس روش تحلیل روایت مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

همچنین مقاله حاضر که یک پژوهش کیفی و توسعه‌ای است از پنج مرحله تشکیل شده است. مرحله اول، مرور ادبیات: در این مرحله منابع مرتبط با عناصر روایت، تحلیل روایت و شخصیت شهید محمدابراهیم همت مورد مطالعه قرار گرفتند که در بخش‌های مقدمه، مبانی پژوهش و روش‌شناسی بازتاب یافته است. مرحله دوم، انتخاب و بررسی نمونه: در این مرحله یک داستان از کتاب *چهلمین نفر* به منظور مطالعه موردی انتخاب شد. مرحله سوم، الگوی تحلیل: در این مرحله الگوی تحلیل مطالعه موردی در قالب جدول شماره یک ارائه گردید. مرحله چهارم، ارائه نتایج: در این مرحله عناصر دراماتیک بر اساس جدول مذکور استخراج، کدگذاری، طبقه‌بندی و تحلیل شد. مرحله پنجم، بحث و نتیجه‌گیری: در این مرحله، یافته‌های کلیدی پژوهش جمع‌بندی، و الگوی پیشنهادی برای تحلیل زندگی شخصیت‌های ملی و مذهبی ارائه شد.





جدول شماره یک: مقوله‌های اصلی و فرعی نظریه روایت

مقوله‌های اصلی		مقوله‌های فرعی
۱. پیرنگ		آغاز - میانه - پایان
		هماهنگی
		اجتماع ضدین
		تفکیک احباب
		گره افکنی
		کشمکش (ستیز)
		بحران
		تعلیق
		نقطه اوج
		گره‌گشایی
		زمان
۲. شخصیت		واقعی
		دراماتیک
		مکان
		اصلی (قهرمان)
۳. گفتار		اصلی (ضد قهرمان)
		فرعی
		دیالوگ
۴. انگاره		منولوگ
		مضمون
۵. لحن		لحن روایت
۶. نمادها		نمادها و نشانه‌ها

❁ یافته‌های پژوهش

در این بخش عناصر دراماتیک در داستان سلاح زیر برف تحلیل می‌شود. برای اختصار، این داستان کوتاه نقل نمی‌شود (مخدومی، ۱۳۷۹: ۴۳-۵۰).

پی‌رنگ: داستان سلاح زیر برف دارای پی‌رنگی منسجم است که از سه بخش اصلی آغاز، میانه و پایان تشکیل شده است. در آغاز، داستان سلاح زیر برف با معرفی شخصیت‌های اصلی و گروهی از رزمندگان در منطقه کردستان در فضایی سرد و برفی آغاز می‌شود. خواننده به سرعت با چالش‌ها و خطرات پیشروی رزمندگان آشنا می‌شود و حس همدلی با آنها در او ایجاد می‌شود. در میانه داستان، تنش و کشمکش به اوج خود می‌رسد. رزمندگان در محاصره دشمن قرار می‌گیرند و جان خود را در خطر می‌بینند. در این بخش، شاهد شجاعت و فداکاری رزمندگان، به خصوص شهید همت، هستیم. داستان با فداکاری شهید همت برای نجات جان یکی از رزمندگان به پایان می‌رسد. این فداکاری، نقطه اوج داستان و نمادی از شجاعت و فداکاری است. خواننده با حسی از غم و اندوه، اما درعین حال با تحسین و احترام نسبت به شهید همت، داستان را به پایان می‌رساند.

هماهنگی، یکی از مهم‌ترین عناصر درام است که به انسجام و یکپارچگی داستان کمک می‌کند. در داستان سلاح زیر برف نیز شاهد هماهنگی بالایی بین اجزای مختلف درام هستیم. اول، هماهنگی شخصیت‌ها با موضوع: شخصیت‌های داستان، از جمله شهید همت و سایر رزمندگان، با موضوع داستان، یعنی حماسه شجاعت و فداکاری در دوران دفاع مقدس، هماهنگی دارند. اعمال و رفتار آنها در راستای این موضوع است و به باورپذیری و تأثیرگذاری داستان کمک می‌کند. دوم، هماهنگی مکان با موضوع: مکان داستان، یعنی منطقه کردستان در فضایی سرد و برفی، با موضوع داستان هماهنگی دارد. این مکان، سختی‌ها و چالش‌های رزمندگان را به تصویر می‌کشد و به ایجاد حس دراماتیک در داستان کمک می‌کند. سوم، هماهنگی زمان با موضوع: زمان داستان، یعنی یک روز در دوران دفاع مقدس، با موضوع داستان هماهنگی دارد. این زمان کوتاه، به



ایجاد حس اضطراب و هیجان در داستان کمک می‌کند و خواننده را درگیر رویدادها نگه می‌دارد. چهارم، هماهنگی رویدادها با موضوع: رویدادهای داستان، از جمله محاصره شدن رزمندگان، نبرد با دشمن، و فداکاری شهید همت، با موضوع داستان هماهنگی دارند. این رویدادها، حماسه شجاعت و فداکاری رزمندگان را به تصویر می‌کشند و به پیشبرد داستان کمک می‌کنند. پنجم، هماهنگی دیالوگ‌ها با موضوع: دیالوگ‌های شخصیت‌ها با موضوع داستان هماهنگی دارند. شخصیت‌ها در مورد موضوع داستان، یعنی شجاعت، فداکاری، و ایثار، صحبت می‌کنند. این دیالوگ‌ها به عمق بخشی به شخصیت‌ها و به انتقال پیام داستان کمک می‌کنند. ششم، هماهنگی لحن با موضوع: لحن داستان با موضوع داستان هماهنگی دارد. لحن داستان، حماسی و پرشور است و به ایجاد حس دراماتیک در داستان کمک می‌کند.

اجتماع ضدین، یکی دیگر از عناصر مهم درام است که به ایجاد تنش و کشمکش در داستان کمک می‌کند. در داستان سلاح زیر برف نیز شاهد اجتماع ضدین در سطوح مختلف هستیم. اول، خیر و شر: رزمندگان، نماد خیر و حق، در مقابل دشمن، نماد شر و باطل، قرار می‌گیرند. این تقابل، یکی از اصلی‌ترین ضدیت‌های داستان است و به ایجاد تنش و کشمکش در داستان کمک می‌کند. دوم، شجاعت و ترس: شهید همت، نماد شجاعت و فداکاری، در مقابل سایر رزمندگان که در لحظاتی دچار ترس و تردید می‌شوند، قرار می‌گیرد. این تقابل، به عمق بخشی به شخصیت شهید همت و به برجسته‌تر شدن شجاعت او کمک می‌کند. سوم، زندگی و مرگ: در طول داستان، رزمندگان در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرند. این تقابل بین زندگی و مرگ، حس اضطراب و هیجان را در داستان افزایش می‌دهد و خواننده را در انتظار سرنوشت شخصیت‌ها نگه می‌دارد. چهارم، گرمی و سرما: داستان در فضایی سرد و برفی روایت می‌شود. این تقابل بین گرمی و سرما، به ایجاد حس دراماتیک در داستان و به تصویر کشیدن سختی‌های رزمندگان کمک می‌کند. پنجم، امید و ناامیدی: در لحظاتی از داستان، رزمندگان دچار ناامیدی می‌شوند. اما در نهایت، امید به پیروزی و شهادت، آنها را به ادامه نبرد ترغیب

می‌کند. این تقابل بین امید و ناامیدی، به عمق بخشی به شخصیت‌ها و به انتقال پیام داستان کمک می‌کند.

تفکیک احباب در داستان سلاح زیر برف به ایجاد حس غم و اندوه و افزایش تنش کمک می‌کند. در این داستان نیز شاهد تفکیک احباب در سطوح مختلف هستیم. اول، جدایی رزمندگان از خانواده: رزمندگان در دوران جنگ، از خانواده و عزیزان خود دور هستند. این جدایی، حس غم و اندوه را در آنها ایجاد می‌کند و به عمق بخشی به شخصیت‌ها و به انتقال پیام داستان کمک می‌کند. دوم، مرگ هم‌رزمان: در طول داستان، برخی از رزمندگان در نبرد با دشمن شهید می‌شوند. این مرگ‌ها، حس غم و اندوه و خشم را در سایر رزمندگان ایجاد می‌کند و به افزایش تنش در داستان کمک می‌کند. سوم، جدایی شهید همت از رزمندگان: در اوج نبرد، شهید همت جان خود را به خطر می‌اندازد تا جان یکی از رزمندگان را نجات دهد. این فداکاری، با مرگ شهید همت همراه است و حس غم و اندوه عمیقی را در سایر رزمندگان ایجاد می‌کند. همچنین نویسنده با استفاده از تکنیک‌های مختلف، مانند توصیفات دقیق صحنه‌های جدایی، دیالوگ‌های احساسی، و نمادپردازی، به برجسته‌تر شدن تفکیک احباب در داستان کمک می‌کند. تفکیک احباب در داستان سلاح زیر برف آن را به داستانی مناسب برای مطالعه در زمینه‌های مختلف، از جمله ادبیات، تاریخ، و علوم انسانی تبدیل می‌کند.

گرافکنی به ایجاد کشش و تعلیق در داستان کمک می‌کند. در داستان سلاح زیر برف نیز شاهد گرافکنی‌های متعددی در سطوح مختلف هستیم. اول، محاصره شدن رزمندگان: در ابتدای داستان، رزمندگان به طور ناگهانی توسط دشمن محاصره می‌شوند. این اتفاق، گره‌ای در داستان ایجاد می‌کند و خواننده را در انتظار سرنوشت شخصیت‌ها نگه می‌دارد. دوم، زخمی شدن شهید همت: در اوج نبرد، شهید همت به شدت زخمی می‌شود. این اتفاق، گره‌ای در داستان ایجاد می‌کند و حس اضطراب و نگرانی را در خواننده افزایش می‌دهد. سوم، خطر مرگ یکی از رزمندگان: در لحظه‌ای از داستان، جان یکی از رزمندگان در خطر مرگ قرار می‌گیرد. این اتفاق، گره‌ای در داستان ایجاد می‌کند و



خواننده را در انتظار تصمیم شهید همت نگه می‌دارد. چهارم، فداکاری شهید همت: در اوج داستان، شهید همت جان خود را به خطر می‌اندازد تا جان یکی از رزمندگان را نجات دهد. این فداکاری، گره‌ای در داستان ایجاد می‌کند و خواننده را در انتظار سرنوشت شهید همت نگه می‌دارد.

همچنین در داستان سلاح زیر برف از انواع مختلف گره‌افکنی استفاده شده است. اول، گره‌افکنی موقعیتی: محاصره شدن رزمندگان، زخمی شدن شهید همت، و خطر مرگ یکی از رزمندگان، نمونه‌هایی از گره‌افکنی موقعیتی در این داستان هستند. دوم، گره‌افکنی شخصیتی: تردید و ترس برخی از رزمندگان، و فداکاری شهید همت، نمونه‌هایی از گره‌افکنی شخصیتی در این داستان هستند. سوم، گره‌افکنی روایی: فلاش‌بک به گذشته شهید همت، و روایت داستان از زاویه دید شخصیت‌های مختلف، نمونه‌هایی از گره‌افکنی روایی در این داستان هستند.

گره‌افکنی در داستان سلاح زیر برف به ایجاد کشش و تعلیق در داستان کمک می‌کند و خواننده را تا پایان داستان درگیر داستان نگه می‌دارد. این عنصر داستانی، به عمق بخشی به شخصیت‌ها و به انتقال پیام داستان نیز کمک می‌کند. همچنین نویسنده با استفاده از تکنیک‌های مختلف، مانند توصیفات دقیق، دیالوگ‌های پراکنده، و لحن حماسی، به برجسته‌تر شدن گره‌افکنی در داستان کمک می‌کند.

کشمکش به ایجاد تنش و پویایی در داستان کمک می‌کند. در داستان سلاح زیر برف نیز شاهد انواع مختلف کشمکش در سطوح مختلف هستیم. اول، کشمکش انسان با انسان: رزمندگان در نبردی سخت با دشمن روبرو هستند. این تقابل بین انسان و انسان، یکی از اصلی‌ترین کشمکش‌های داستان است و به ایجاد هیجان و اضطراب در خواننده کمک می‌کند. دوم، کشمکش انسان با طبیعت: رزمندگان در شرایطی سخت و طاقت‌فرسا، در فضایی سرد و برفی، به نبرد می‌پردازند. این تقابل بین انسان و طبیعت، به عمق بخشی به شخصیت‌ها و به برجسته‌تر شدن شجاعت و فداکاری آنها کمک می‌کند. سوم، کشمکش انسان با خود: در لحظاتی از داستان، برخی از رزمندگان دچار

ترس و تردید می شوند. این تقابل بین انسان با خود، به عمق بخشی به شخصیت ها و به انتقال پیام داستان کمک می کند. چهارم، کشمکش بین خیر و شر: رزمندگان، نماد خیر و حق، در مقابل دشمن، نماد شر و باطل، قرار می گیرند. این تقابل بین خیر و شر، به برجسته تر شدن ارزش ها و آرمان های رزمندگان کمک می کند.

در داستان «سلاح زیر برف» از انواع مختلف کشمکش استفاده شده است. اول، کشمکش فیزیکی: نبرد رزمندگان با دشمن، نمونه ای از کشمکش فیزیکی در این داستان است. دوم، کشمکش روانی: ترس و تردید برخی از رزمندگان، و فداکاری شهید همت، نمونه هایی از کشمکش روانی در این داستان هستند. سوم، کشمکش اخلاقی: انتخاب بین جان خود و جان یکی از رزمندگان، نمونه ای از کشمکش اخلاقی در این داستان است. کشمکش در داستان سلاح زیر برف به ایجاد تنش و پویایی در داستان کمک می کند و خواننده را تا پایان داستان درگیر داستان نگه می دارد. این عنصر داستانی، به عمق بخشی به شخصیت ها و به انتقال پیام داستان نیز کمک می کند.

بحران به نقطه اوج داستان و اوج تنش و کشمکش اشاره دارد. در داستان سلاح زیر برف نیز شاهد بحرانی نفس گیر در اوج داستان هستیم. اول، محاصره شدن رزمندگان: در ابتدای داستان، رزمندگان به طور ناگهانی توسط دشمن محاصره می شوند. این اتفاق، گره ای در داستان ایجاد می کند و خواننده را در انتظار سرنوشت شخصیت ها نگه می دارد. دوم، زخمی شدن شهید همت: در اوج نبرد، شهید همت به شدت زخمی می شود. این اتفاق، گره ای در داستان ایجاد می کند و حس اضطراب و نگرانی را در خواننده افزایش می دهد. سوم، خطر مرگ یکی از رزمندگان: در لحظه ای از داستان، جان یکی از رزمندگان در خطر مرگ قرار می گیرد. این اتفاق، گره ای در داستان ایجاد می کند و خواننده را در انتظار تصمیم شهید همت نگه می دارد. چهارم، فداکاری شهید همت: در اوج داستان، شهید همت جان خود را به خطر می اندازد تا جان یکی از رزمندگان را نجات دهد. این فداکاری، نقطه اوج داستان و اوج تنش و کشمکش است. بحران در داستان سلاح زیر برف به ایجاد هیجان و اضطراب در خواننده کمک می کند و او را تا پایان داستان درگیر



داستان نگه می‌دارد. این عنصر داستانی، به عمق بخشی به شخصیت‌ها و به انتقال پیام داستان نیز کمک می‌کند.

تعلیق به ایجاد حس انتظار و کنجکاوی در خواننده کمک می‌کند. در داستان سلاح زیر برف نیز شاهد تعلیق‌های متعددی در سطوح مختلف هستیم. اول، محاصره شدن رزمندگان: در ابتدای داستان، رزمندگان به طور ناگهانی توسط دشمن محاصره می‌شوند. این اتفاق، گره‌ای در داستان ایجاد می‌کند و خواننده را در انتظار سرنوشت شخصیت‌ها نگه می‌دارد. دوم، زخمی شدن شهید همت: در اوج نبرد، شهید همت به شدت زخمی می‌شود. این اتفاق، گره‌ای در داستان ایجاد می‌کند و حس اضطراب و نگرانی را در خواننده افزایش می‌دهد. سوم، خطر مرگ یکی از رزمندگان: در لحظه‌ای از داستان، جان یکی از رزمندگان در خطر مرگ قرار می‌گیرد. این اتفاق، گره‌ای در داستان ایجاد می‌کند و خواننده را در انتظار تصمیم شهید همت نگه می‌دارد. چهارم، فداکاری شهید همت: در اوج داستان، شهید همت جان خود را به خطر می‌اندازد تا جان یکی از رزمندگان را نجات دهد. این فداکاری، گره‌ای در داستان ایجاد می‌کند و خواننده را در انتظار سرنوشت شهید همت نگه می‌دارد.

در داستان سلاح زیر برف از انواع مختلف تعلیق استفاده شده است. اول، تعلیق موقعیتی: محاصره شدن رزمندگان، زخمی شدن شهید همت، و خطر مرگ یکی از رزمندگان، نمونه‌هایی از تعلیق موقعیتی در این داستان هستند. دوم، تعلیق روایی: فلاش‌بک به گذشته شهید همت، و روایت داستان از زاویه دید شخصیت‌های مختلف، نمونه‌هایی از تعلیق روایی در این داستان هستند. سوم، تعلیق روانی: ترس و تردید برخی از رزمندگان، و فداکاری شهید همت، نمونه‌هایی از تعلیق روانی در این داستان هستند. تعلیق در داستان سلاح زیر برف به ایجاد حس انتظار و کنجکاوی در خواننده کمک می‌کند و او را تا پایان داستان درگیر داستان نگه می‌دارد. این عنصر داستانی، به عمق بخشی به شخصیت‌ها و به انتقال پیام داستان نیز کمک می‌کند.

نقطه اوج داستان سلاح زیر برف زمانی است که شهید همت فداکاری بزرگی از خود

نشان می دهد. اما برای درک عمیق تر این لحظه، لازم است به جزئیات بیشتری توجه کرد: زمینه های شکل گیری نقطه اوج در داستان این موارد است: اول، رزمندگان در محاصره دشمن هستند و در شرایطی دشوار و طاقت فرسا به نبرد ادامه می دهند. دوم، شهید همت، فرمانده رزمندگان، نقش کلیدی در هدایت و رهبری آنها دارد. سوم، در طول نبرد، شهید همت به شدت زخمی می شود و جانش در خطر است. درحالی که شهید همت به شدت زخمی شده است، متوجه می شود که جان یکی از رزمندگان در خطر مرگ است. در این لحظه، او تصمیمی شجاعانه و فداکارانه می گیرد و جان خود را به خطر می اندازد و باوجود زخمی بودن، به کمک هم رزم خود می شتابد، و با شجاعت و مهارت خود، جان هم رزم خود را نجات می دهد.

فداکاری شهید همت، نقطه اوج داستان سلاح زیر برف است و به دلایل مختلف، تأثیر عمیقی بر خواننده می گذارد. اول، این فداکاری، نمادی از شجاعت، از خودگذشتگی و ایثار شهید همت است. دوم، این فداکاری، تحول بزرگی در شخصیت رزمندگان ایجاد می کند و آنها را به ادامه نبرد با انگیزه و روحیه ای قوی تر تشویق می کند. سوم، این فداکاری، حس همدلی و تحسین خواننده را برمی انگیزد و او را تحت تأثیر قرار می دهد. فداکاری شهید همت، نقطه عطفی در داستان سلاح زیر برف است. از این لحظه به بعد، داستان به سمت وسوی جدیدی حرکت می کند و پیام اصلی داستان به طور کامل آشکار می شود. فداکاری شهید همت، نمادی از ایثار و شهادت در راه آرمان های والا است. این فداکاری، درس های ارزشمندی در مورد از خودگذشتگی و فداکاری برای نجات جان دیگران به خواننده می دهد.

گره گشایی، بخش پایانی داستان است که به حل و فصل معماها و کشمکش های داستان می پردازد. در داستان سلاح زیر برف نیز شاهد گره گشایی نفس گیری در ادامه نقطه اوج داستان هستیم. اول، پیروزی رزمندگان: با فداکاری شهید همت، رزمندگان روحیه ای تازه می گیرند و با شجاعت بیشتری به نبرد ادامه می دهند. در نهایت، آنها دشمن را شکست می دهند و از محاصره رها می شوند. دوم، مرگ شهید همت: در حین



نبرد نهایی، شهید همت به شهادت می‌رسد. این اتفاق، فاجعه‌ای برای رزمندگان است و غم و اندوه عمیقی را در آنها به وجود می‌آورد. سوم، گرامیداشت یاد شهید همت: رزمندگان با برگزاری مراسمی باشکوه، یاد و خاطره شهید همت را گرامی می‌دارند و فداکاری او را ستایش می‌کنند. گره‌گشایی در داستان سلاح زیر برف به حل و فصل معماها و کشمکش‌های داستان می‌پردازد و به پیام اصلی داستان می‌پردازد. این عنصر داستانی، حس همدلی و تحسین خواننده را برمی‌انگیزد و او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین گره‌گشایی در این داستان به طور کامل و قانع‌کننده انجام می‌شود.

در داستان سلاح زیر برف شاهد استفاده ماهرانه از زمان واقعی و دراماتیک هستیم که به ایجاد حس هیجان، اضطراب و تعلیق در خواننده کمک می‌کند. نویسنده از تکنیک زمان واقعی استفاده می‌کند تا خواننده را در لحظه وقوع اتفاقات داستان غرق کند. این تکنیک با استفاده از جملات کوتاه و گویا، توصیفات دقیق و دیالوگ‌های پراکنده به کار گرفته می‌شود. به عنوان مثال، در صحنه نبرد، نویسنده با استفاده از جملات کوتاه و گویا، خواننده را در لحظه وقوع نبرد قرار می‌دهد و حس هیجان و اضطراب را در او القا می‌کند. نویسنده از تکنیک زمان دراماتیک نیز استفاده می‌کند تا به برجسته‌تر شدن لحظات مهم داستان کمک کند. در این تکنیک، زمان داستان به طور مساوی روایت نمی‌شود و برخی از لحظات مهم داستان با جزئیات بیشتری روایت می‌شوند. به عنوان مثال، نویسنده صحنه فداکاری شهید همت را با جزئیات بیشتری روایت می‌کند تا تأثیر این فداکاری را بر خواننده بیشتر کند. نویسنده با استفاده از تکنیک‌های مختلف، مانند فلاش‌بک، فلاش‌فوروارد و تغییر زاویه دید، به تنوع روایت داستان و جذاب‌تر شدن آن کمک می‌کند. همچنین استفاده از زمان واقعی و دراماتیک به باورپذیری داستان و هم‌ذات‌پنداری خواننده با شخصیت‌ها کمک می‌کند.

مکان در داستان سلاح زیر برف نقش مهمی در ایجاد حس و حال داستان و انتقال پیام آن دارد. نویسنده با دقت و ظرافت مکان‌های مختلف داستان را توصیف می‌کند و به خواننده کمک می‌کند تا در فضای داستان غرق شود. مکان‌های اصلی داستان موارد زیر

هستند. اول، کوهستان: داستان در کوهستان‌های زاگرس، در غرب ایران، روایت می‌شود. کوهستان نمادی از سختی، خطر و مبارزه است. دوم، منطقه جنگی: بخش عمده‌ای از داستان در منطقه جنگی روایت می‌شود. منطقه جنگی نمادی از خشونت، مرگ و ویرانی است. سوم، روستا: در برخی از قسمت‌های داستان، به روستایی در دامنه کوهستان نیز اشاره می‌شود. روستا نمادی از صلح، آرامش و زندگی ساده است. مکان در داستان سلاح زیر برف به ایجاد حس و حال داستان و انتقال پیام آن کمک می‌کند. کوهستان و منطقه جنگی، حس سختی، خطر و مبارزه را در خواننده القا می‌کنند. درحالی‌که روستا، حس صلح، آرامش و زندگی ساده را به خواننده منتقل می‌کند.

نویسنده در داستان سلاح زیر برف به خلق شخصیت‌های پیچیده و چندبعدی می‌پردازد که هر کدام نقشی کلیدی در پیشبرد داستان ایفا می‌کنند. در ادامه شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان بررسی می‌شوند. شهید همت شخصیت اصلی داستان، فرمانده رزمندگان است. او شجاع، فداکار، با تدبیر و از خودگذشته است. شهید همت در طول داستان، الهام‌بخش و راهنمای رزمندگان است و در نهایت جان خود را در راه دفاع از وطن فدا می‌کند. رزمندگان داستان، گروهی از جوانان هستند که با شجاعت و از خودگذشتگی در راه دفاع از وطن جان‌فشانی می‌کنند. رزمندگان در طول داستان با چالش‌های مختلفی روبرو می‌شوند، اما با رهبری شهید همت بر آنها غلبه می‌کنند. فرمانده عراقی، شخصیت منفی داستان است. او بی‌رحم، ظالم و تشنه قدرت است. فرمانده عراقی در طول داستان با رزمندگان ایرانی می‌جنگد و در نهایت شکست می‌خورد. هم‌زمان شهید همت، گروهی از جوانان هستند که در کنار او می‌جنگند. هم‌زمان شهید همت در طول داستان، فداکاری، شجاعت و از خودگذشتگی شهید همت را از نزدیک مشاهده می‌کنند و از او درس می‌آموزند. خانواده شهید همت، در انتظار بازگشت او به خانه هستند. خانواده شهید همت در طول داستان با نگرانی و اضطراب روبرو می‌شوند و در نهایت با شهادت او داغدار می‌شوند.

شخصیت اصلی داستان، محرک اصلی رویدادها هستند و نقش کلیدی در پیشبرد



داستان ایفا می‌کنند، و شخصیت‌های فرعی داستان، به شخصیت‌های اصلی عمق می‌بخشند و به تکمیل داستان کمک می‌کنند. شخصیت‌های داستان سلاح زیر برف به باورپذیری داستان و هم‌ذات‌پنداری خواننده با شخصیت‌ها کمک می‌کنند. همچنین شخصیت‌های این داستان، پیام‌های مهمی در مورد ارزش‌های انسانی مانند فداکاری، از خودگذشتگی و شجاعت به خواننده منتقل می‌کنند. نویسنده با استفاده از تکنیک‌های مختلف، مانند دیالوگ، توصیف و روایت، شخصیت‌های داستان را به طور کامل و جامع به تصویر می‌کشد. شخصیت‌های این داستان به انتقال پیام اصلی داستان، یعنی ارزش شجاعت و فداکاری کمک می‌کنند.

نویسنده در داستان سلاح زیر برف از انواع مختلف گفتار، از جمله دیالوگ و مونولوگ، برای پیشبرد داستان، شخصیت‌پردازی و انتقال پیام داستان استفاده می‌کند. دیالوگ در این داستان، نقشی کلیدی در پیشبرد داستان و شخصیت‌پردازی ایفا می‌کند. دیالوگ‌های داستان سلاح زیر برف به طور طبیعی و روان نوشته شده‌اند و لحن و زبان شخصیت‌ها را به طور دقیق نشان می‌دهند. دیالوگ‌های این داستان به باورپذیری داستان و هم‌ذات‌پنداری خواننده با شخصیت‌ها کمک می‌کنند.

مونولوگ نیز در این داستان، نقشی مکمل در کنار دیالوگ ایفا می‌کند و به خواننده کمک می‌کند تا افکار و احساسات درونی شخصیت‌ها را بهتر درک کند. مونولوگ‌های داستان سلاح زیر برف به طور کوتاه و فشرده نوشته شده‌اند و به نکات کلیدی داستان اشاره می‌کنند. مونولوگ‌های این داستان به عمق بخشی به شخصیت‌ها و انتقال پیام داستان کمک می‌کنند. از این رو و به صورت کلی، گفتار در این داستان به طور طبیعی و روان نوشته شده است و لحن و زبان شخصیت‌ها را به طور دقیق نشان می‌دهد. همچنین گفتار در این داستان به باورپذیری داستان و هم‌ذات‌پنداری خواننده با شخصیت‌ها، عمق بخشی به شخصیت‌ها و انتقال پیام داستان کمک می‌کند.

شجاعت و فداکاری انگاره اصلی داستان سلاح زیر برف است. کل داستان حول محور فداکاری شهید همت برای نجات جان هم‌رزم خود می‌چرخد. این عمل فداکارانه،

الهام بخش سایر سربازان می شود و به آنها نشان می دهد که چگونه باید اولویت را به نیازهای گروه و نجات جان هم‌رزمان خود بدهند. در طول داستان، شاهد نمونه‌های متعددی از شجاع، فداکاری و از خودگذشتگی رزمندگان هستیم. آنها با وجود خطرات و سختی‌های جنگ، جان خود را به خطر می‌اندازند تا از کشور و مردم خود در برابر دشمن دفاع کنند. فداکاری شهید همت، نقطه اوج داستان است و به وضوح نشان می‌دهد که چگونه یک فرد می‌تواند با فداکردن جان خود، جان افراد دیگر را نجات دهد و به آنها الهام ببخشد. علاوه بر فداکاری شهید همت، می‌توان از خودگذشتگی سایر سربازان در داستان نیز نام برد. آنها برای نجات جان یکدیگر، از جان خود مایه می‌گذارند و به یکدیگر کمک می‌کنند تا از شرایط سخت و خطرناک جان سالم به در ببرند. داستان سلاح زیر برف با به تصویر کشیدن شجاعت، فداکاری و از خودگذشتگی سربازان دفاع مقدس، اهمیت این ارزش‌ها را به خواننده یادآوری می‌کند. این داستان به مخاطب می‌آموزد که چگونه می‌تواند با فداکردن جان خود یا حتی با انجام کارهای کوچک، به دیگران کمک کند و دنیا را به مکانی بهتر تبدیل نماید.

لحن کلی داستان سلاح زیر برف جدی، غم‌انگیز و میهن‌پرستانه است. داستان به مضامین سنگینی مانند جنگ، فداکاری و مرگ می‌پردازد و به گونه‌ای روایت می‌شود که حس سنگینی و احترام به سربازانی که جنگیدند و جان خود را از دست دادند، برمی‌انگیزد. با این حال، لحظاتی از امید و الهام‌بخشی نیز وجود دارد، به ویژه در به تصویر کشیدن قهرمانی شجاعانه و فداکارانه شهید همت. عناصر خاص که به لحن داستان کمک می‌کنند، موارد زیر هستند: اول، استفاده از زبان توصیفی: نویسنده از توصیفات زنده‌ای از واقعیت‌های سخت جنگ، مانند خشونت نبرد، مناظر ویران و تأثیر جسمی و روحی بر سربازان استفاده می‌کند. این امر حس فوریت و واقع‌گرایی را ایجاد می‌کند که لحن غم‌انگیز داستان را تقویت می‌کند. دوم، تمرکز بر فداکاری و از دست دادن: داستان بر فداکاری‌هایی که سربازان انجام می‌دهند، به ویژه عمل فداکارانه نهایی شهید همت تأکید می‌کند. این امر هزینه انسانی جنگ را برجسته می‌کند و حس



همدلی با شخصیت‌ها را ایجاد می‌کند. سوم، استفاده از زبان میهن‌پرستانه: داستان شامل اشاره‌هایی به عشق به کشور، وظیفه و افتخار است که به حس غرور ملی و تحسین سربازان کمک می‌کند. چهارم، ریتم داستان: داستان با سرعتی متوسط پیش می‌رود و لحظاتی از اکشن با دوره‌هایی از تأمل و درون‌نگری درهم آمیخته است. این به خواننده اجازه می‌دهد تا عمق وقایع و تأثیر عاطفی تجربیات شخصیت‌ها را به طور کامل درک کند. البته توجه به این نکته ضروری است که لحن مسئله‌ای ذهنی است و می‌تواند توسط خوانندگان مختلف به طور متفاوتی تفسیر شود. با این حال، عناصر ذکر شده نشان می‌دهند که نویسنده قصد داشت داستانی خلق کند که از نظر عاطفی اثرگذار و هم تفکربرانگیز باشد.

داستان سلاح زیر برف سرشار از نمادها و نشانه‌هایی است که به عمق و معنای داستان می‌افزایند. در اینجا به بررسی برخی از مهم‌ترین نمادها و نشانه‌ها پرداخته می‌شود. نماد اول، برف: برف می‌تواند نمادی از پاکی، معصومیت و سختی جنگ باشد. سربازان در شرایط سخت زمستانی می‌جنگند و برف نمایانگر چالش‌ها و فداکاری‌هایی است که با آن روبرو هستند. نماد دوم، سلاح: سلاح در داستان، به‌ویژه تفنگ شهید همت، می‌تواند نمادی از جنگ، خشونت و قدرت مرگ و زندگی باشد. این ابزاری است که سربازان برای دفاع از خود و کشورشان از آن استفاده می‌کنند، اما نمادی از ماهیت مخرب جنگ نیز است. نماد سوم، کوه‌ها: کوه‌ها در داستان می‌توانند نمادی از قدرت، انعطاف‌پذیری و موانعی باشند که باید بر آنها غلبه کرد. سربازان در کوهستان می‌جنگند و کوه‌ها نمایانگر چالش‌هایی هستند که هم از نظر جسمی و هم از نظر ذهنی با آن روبرو هستند. نشانه اول، فداکاری و از خودگذشتگی: داستان حول محور موضوع فداکاری، به‌ویژه عمل فداکارانه شهید همت در به خطر انداختن جان خود برای نجات هم‌رزمش، می‌چرخد. این نشانه در سراسر داستان تأکید می‌شود و اهمیت اولویت دادن به نیازهای دیگران را برجسته می‌کند. نشانه دوم، میهن‌پرستی و وظیفه: سربازان داستان از حس قوی میهن‌پرستی و تعهد به کشورشان انگیزه می‌گیرند. آنها حاضرند برای دفاع از میهن خود

جان خود را به خطر بیندازند و این نشانه در اعمال و گفتار آنها مشهود است. نشانه سوم، هزینه جنگ: داستان خشونت جنگ و تلفات سنگینی که به بار می‌آورد را به تصویر می‌کشد. سربازان با مرگ، جراحت و ازدست‌دادن هم‌زمان خود روبرو هستند و این نشانه به عنوان یادآوری از هزینه انسانی درگیری عمل می‌کند. این نمادها و نشانه‌ها با هم کار می‌کنند تا داستانی قدرتمند و معنادار خلق کنند که مضامین جنگ، فداکاری و میهن‌پرستی را بررسی می‌کند.

جدول شماره دو: مقوله‌های عناصر روایت در داستان سلاح زیر برف

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	وضعیت
۱. پیرنگ	آغاز - میانه - پایان	☒
	هماهنگی	☒
	اجتماع ضدین	☒
	تفکیک احباب	☒
	گره افکنی	☒
	کشمکش (ستیز)	☒
	بحران	☒
	تعلیق	☒
	نقطه اوج	☒
	گره گشایی	☒
	زمان	☒
	واقعی	☒
	دراماتیک	☒
	مکان	☒



مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	وضعیت
۲. شخصیت	اصلی (قهرمان)	☒
	اصلی (ضدقهرمان)	☒
	فرعی	☒
۳. گفتار	دیالوگ	☒
	منولوگ	☒
۴. انگاره	انگاره	☒
۵. لحن	لحن روایت	☒
۶. نمادها	نمادها و نشانه‌ها	☒

❁ نتیجه

در این مقاله، به بررسی عناصر دراماتیک شجاعت و فداکاری در داستان سلاح زیر برف اثر رحیم مخدومی با محوریت شخصیت شهید محمدابراهیم همت پرداخته شد و نتایج زیر به دست آمد. پی‌رنگ: داستان سلاح زیر برف دارای پی‌رنگی منسجم و دارای آغاز، میانه و پایان مشخص است. در این داستان، شاهد هماهنگی بین اجزای مختلف درام، از جمله شخصیت‌ها، مکان، زمان، رویدادها و دیالوگ‌ها هستیم. شخصیت: شهید محمدابراهیم همت، شخصیت اصلی داستان، نمادی از شجاعت، فداکاری و ایثار است. سایر شخصیت‌های داستان نیز به خوبی پرداخته شده‌اند و هر کدام نقشی خاص در پیشبرد داستان ایفا می‌کنند. گفتار: دیالوگ‌های شخصیت‌ها در داستان سلاح زیر برف، طبیعی، روان و متناسب با شخصیت و موقعیت آنها هستند. مونولوگ‌های شهید همت نیز به عمق بخشی به شخصیت او و به انتقال پیام داستان کمک می‌کنند. انگاره: پیام اصلی داستان سلاح زیر برف، ترویج ارزش‌های والای انسانی مانند شجاعت، فداکاری و ایثار است. این پیام به طور غیرمستقیم و از طریق شخصیت‌ها و رویدادهای

داستان به خواننده منتقل می‌شود. لحن: لحن داستان سلاح زیر برف، حماسی و پرشور است. این لحن به ایجاد حس دراماتیک در داستان و به انتقال پیام آن کمک می‌کند. نمادها: داستان سلاح زیر برف سرشار از نمادها و نشانه‌هایی است که به عمق بخشی به داستان و به انتقال پیام آن کمک می‌کنند.

شجاعت و فداکاری شهید محمدابراهیم همت در داستان سلاح زیر برف، نقطه عطفی بزرگی است و پیام اصلی داستان را به طور کامل آشکار می‌کند. فداکاری شهید همت، نمادی از شجاعت، از خودگذشتگی و ایثار است و این پیام را به خواننده منتقل می‌کند که انسان‌های شجاع و فداکار، حاضرند جان خود را برای نجات دیگران به خطر بیندازند. داستان سلاح زیر برف، داستانی حماسی و اثرگذار است که به خوبی شجاعت و فداکاری رزمندگان دوران دفاع مقدس را به تصویر می‌کشد. این داستان می‌تواند به عنوان الگویی برای نسل‌های آینده باشد و به آنها یاد دهد که چگونه در راه آرمان‌های خود فداکاری کنند.



منابع

۱. ارسطو (۱۳۸۵). فن شعر. ترجمه عبدالحسین زرین کوب. تهران: امیرکبیر.
۲. اسمایلی، سام (۱۳۹۲). نمایشنامه نویسی ساختار کنش. ترجمه پرستو جعفری و صادق رشیدی. تهران: افراز.
۳. بارونیان، حسن (۱۳۸۷). شخصیت پردازی در داستان های کوتاه دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار نشر ارزش های دفاع مقدس.
۴. خانیان، جمشید، (۱۳۸۳). وضعیت های نمایشی دفاع مقدس. تهران: عابد.
۵. دریانورد، غلامحسین (۱۳۹۷). جلوه های نمایشی جنگ، تهران: سوره مهر.
۶. علیجان زاده، محمد حسین (۱۳۹۹). حاج احمد. قم: شهید کاظمی.
۷. قادری، نصرالله (۱۳۹۱). آناتومی ساختار درام. تهران: نیستان.
۸. کارد، اورسن اسکات (۱۳۸۷). شخصیت پردازی و زاویه دید در داستان. ترجمه پریسا خسروی سامانی. اهواز: پرسش.
۹. کریمی خورانی، مهدی (۱۳۹۷). ساختار و شخصیت در فیلمنامه. قم: سبط النبی.
۱۰. گریگ، نوئل (۱۳۹۰). راهنمای عملی نمایشنامه نویسی. ترجمه علی اکبر علیزاد. تهران: بیگدل.
۱۱. مخدومی، رحیم (۱۳۷۹). معلم فراری. تهران: سوره مهر.
۱۲. مک کی، رابرت (۱۳۸۲). داستان: ساختار سبک و اصول فیلم نامه نویسی. ترجمه محمد گذرآبادی. تهران: هرمس.
۱۳. یزدانی، کرامت (۱۳۸۹). نردبانی برای چیدن نارنج. تهران: سوره مهر.